

زبان قدیم است. یونان رنسانسش را در زمانی که دیگر کشورهای اروپایی با رنسانس خود رشد می‌کردند، انکار می‌کرد؛ و از سوی دیگر از تمامی هرچند متعصبانه و محدود محافظت می‌نمود که علیرغم داشتن عمق، وسعتی نداشت.

مردم عادی یونان تقریباً هوشیاری و آگاهی‌شان را با گذشته مرتبط می‌دانند. آنها عمیقاً در خاک و آب و زبان نیاکان خود غرق شده و فرورفته‌اند. شالوده و جوهره خون و گوشتشان در سرودن شعر، رقص، موسیقی، معماری و... ایشان رخ می‌نماید و هرگز از صخره، دریا و آسمان جدا نمی‌شوند. خدایان یونانی نقش آشنایی در

کنستانتین. ۱. تریپانیس<sup>(۱)</sup> در مقدمه کتاب خود، شعر مدرن یونان (۱۹۵۱)، که گلچین شعر باستانی یونان از سال ۳۰۰ پس از میلاد تا ۱۹۴۹ است؛ می‌گوید: «شعر یونان کهن‌ترین و شاید اصیل‌ترین حدیث و سنت در جهان غرب باشد». برای فهمیدن و درک جنبه‌های مختلف شعر مدرن یونان خواننده باید دست کم آگاهی مختصری از نحوه گسترش زبان و ادبیات یونان در خلال سالهای ۱۴۶ پیش از میلاد، وقتی روم کورینت را غارت کرد و اختیاردار یونان شد، تا ۱۸۳۰ م. وقتی یونان از سلطه ترکها آزاد شد و اعلام استقلال کرد، داشته باشد.

# زمینه‌های

# تاریخی شعر یونان

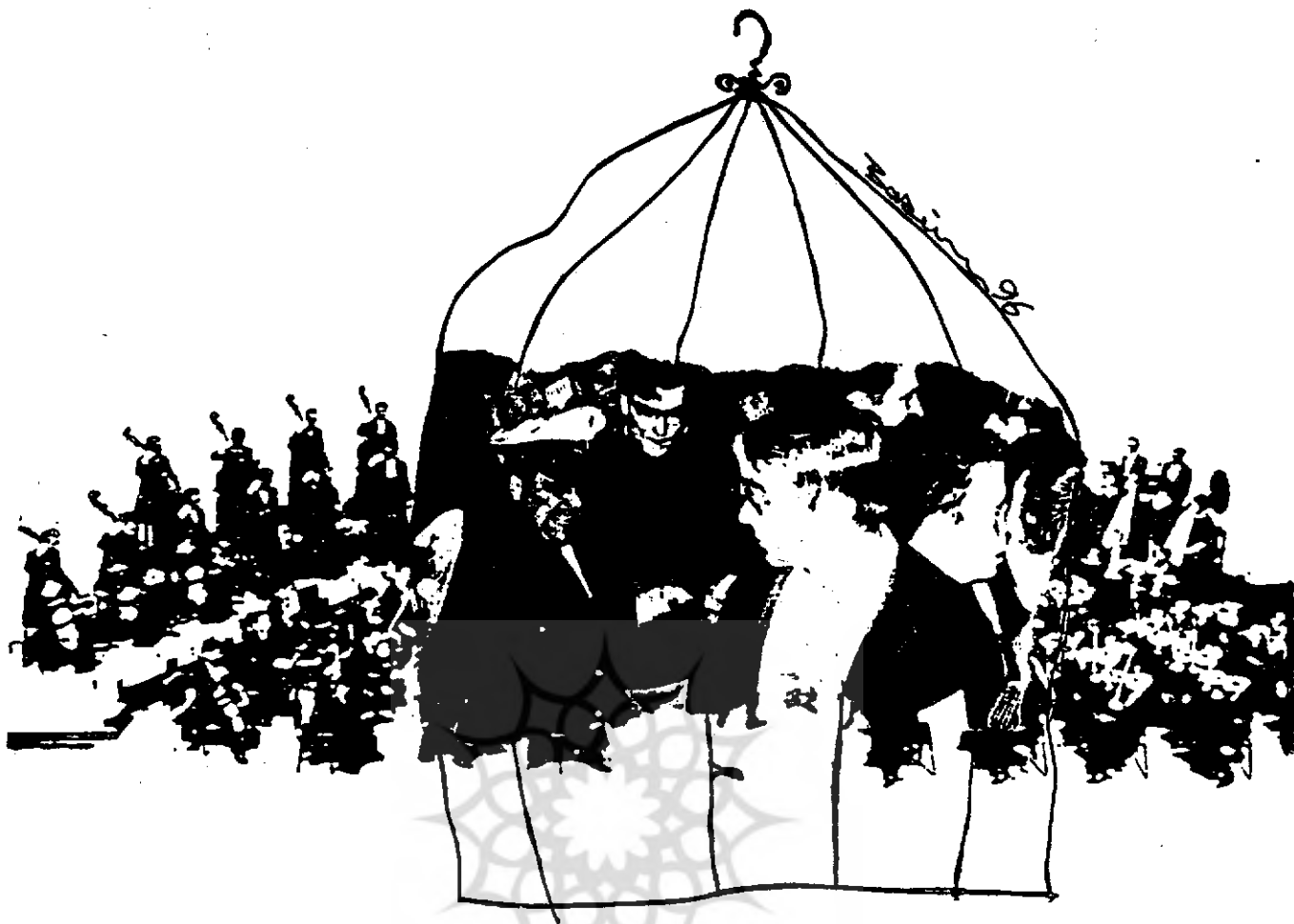
• شهلا شامسوندی

شعر مدرن یونان ایفا می‌کنند. این اسطوره‌ها و قهرمانان روزگاران گذشته و برگرفته از ادبیات و تاریخ، هنوز در خون یونانی‌ها زنده‌اند.

## الف. عصر یونانی

مایسین<sup>(۵)</sup>، دوران بزرگ یونان، به سالهای ۱۷۰۰ تا ۱۱۲۰ قبل از میلاد تکیه دارد. این دوران ترسیم‌کننده شالوده و اساس اسطوره‌شناسی و سنن حماسی یونانی است که با آغاز دوریانس (عصر استفاده از آهن در یونان) و مهاجرت دسته‌جمعی مردم از شمال، قدرت آن رو به زوال نهاد و تا نخستین دوره بازیهای المپیک در ۷۷۹ قبل از میلاد به مدت سه و نیم قرن از نظرها محو شد. همراه با بازیهای المپیک اولین حرکت به سمت احیاء فرهنگ در شرق آیزونیا<sup>(۶)</sup>، نخستین محل پیدایش الفبای یونانیها آغاز شد. اثر مهم احیاء فرهنگی و سیاسی فراهم آوردن محرکهایی برای حرکت مستعمراتی جدید بود. در سالهای ۷۵۰ تا ۵۵۰ قبل از میلاد تجارت از طریق دریای سیاه با ایتالیا، سیسیل، بنادر جنوب فرانسه و اسپانیا شروع شد و رونق گرفت. در همین زمان جشنواره‌های ورزشی و هنری ارتباط بین استانهای مختلف یونان آن روزگار را بیشتر می‌کرد؛ اما همانطور که بعداً خواهیم دید با ظهور یکبارۀ

در ۲۸۵ م. امپراتوری گسترش نیافته روم به دو نیمه شرقی و غربی تقسیم شد و در سال ۳۹۵ تئودوسیوس<sup>(۲)</sup> اول با تقسیم این امپراتوری بین دو پسرش، این جدایی را قطعی و برگشت‌ناپذیر کرد. یونان بخشی از امپراتوری روم شرقی شد. اما از همان نخستین روزهای سلطه روم فرهنگ و زبان یونان در رومی‌ها نفوذ کرد و نیمه شرقی به زبان یونانی صحبت می‌کردند. زبان یونانی نقش مهم و برجسته‌ای در ترویج مسیحیت داشت و کتاب مقدس در اولین قرن میلادی به زبان یونانی ترجمه شد. در سال ۳۳۰ م. کنستانتین<sup>(۳)</sup> رسماً شهر بیزانس<sup>(۴)</sup> را افتتاح کرد و قسطنطنیه پایتخت نیمه شرقی امپراتوری روم شرقی شد. در ۱۲۰۴ این شهر مورد حمله و تهاجم قرار گرفت و این حمله فصل جدیدی در تاریخ یونان بود. حملات مکرر به این شهر ۴۷۰ سال طول کشید و تا سال ۱۸۳۰ م. یونان به عنوان بخشی از امپراتوری عثمانی مقهور آن دولت بود. در این سال با جمعیت تقریبی هشتصد هزار نفر و در مدت ۱۴۰ سال تا ۱۹۷۰ م. به دو جنگ جهانی، دو جنگ بالکان، اشغال به دست ایتالیا - آلمان، جنگهای داخلی و درگیری‌های نظامی زیادی تن درداد. در خلال این سالها که کشورهایی چون فرانسه، انگلستان، ایتالیا و آلمان در آغاز رنسانس ادبی قرار داشتند یونان درگیر افکاری بود که، مانع ظهور آثار رنسانس می‌شد. از این رو زبان مدرن یونان هنوز وارث



ایران این وضعیت تغییر کرد. دومین حرکت پیدایش و ظهور نخستین ریشه‌های شعر غرب بود. برای غربیان و یونانیان باستان، شعر یونان و اساساً شعر غرب با ایللیاد و ادیسه شروع می‌شود. دو شعری که زیبایی کلام و ساختار آنها هرگز در شعرهای دیگر یونان دیده نشد. از دیدگاه تاریخ این دو منظومه به هم<sup>(۸)</sup> نسبت داده شده‌اند. اشعار همری گرچه آغاز شعر یونان نیستند، اما با استناد به شواهدی از ادبیات شفاهی که قدمت آنها به قرنهای هشتم و هفتم قبل از میلاد می‌رسد، به طور شگفت‌آوری از هزاران سال پیش تا عصر حاضر باقی مانده‌اند. این به آن معنا نیست که در آن روزگار الفبای نگارش وجود نداشته و یا شناخته شده نبوده است بلکه با نگاهی به ادبیات شفاهی سایر ملل می‌بینیم خوانندگان حرفه‌ای و نیمه‌حرفه‌ای بی‌مده دستنوشته‌ها، شعر را منتقل می‌کردند. در حماسه‌های همری، دلایل و شواهدی دال بر وجود اشعار حماسی و غنایی پیش از همرا مثل آوازهای جشن عروسی، سرودهای سوگواری، رقص جوانان در مراسم عید و سرودهای جشن خدایان دیده می‌شود. در کنار این اشعار غنایی می‌توان به اشعار حماسی که توسط خوانندگان حرفه‌ای چون دیمودوکوس<sup>(۹)</sup> و فمیوس<sup>(۱۰)</sup> در قصر آکینوس<sup>(۱۱)</sup> و ادیسه خوانده می‌شده اشاره کرد. موقعیت جغرافیایی، اساطیر، مرام و آداب و رسوم یونانیان آن زمان که به خوبی در ایللیاد و در

ادیسه ترسیم شده است، بیانگر این احتمال است که شعر حماسی یونان حداقل به دوران پیش از مایسین اشاره دارد. حماسه‌های یونان پیش‌برنده دیدگاه بسیار عینی از حیات و زندگی و حافظ خدایان در تمامی آداب و رسوم بود، برای مثال، در بسیاری از حماسه‌های قرون وسطی حماسه نه تنها بیان‌کننده تمایلات و تفکرات انسان‌شناسی یونانیان باستان است، بلکه دربردارنده منشأ و مایه تمامی فلسفه ایشان و یونانیان معاصر نیز هست. تأثیر حماسه‌های همری بر ادبیات دوران بعد یونان انکارناپذیر است. این تأثیر نه تنها در ادبیات، بلکه در آموزش، مجسمه‌سازی، و نقاشی روی ظروف و دیوارها تجلی می‌کند. در قرن پنجم قبل از میلاد نفوذ خدایان المپ<sup>(۱۲)</sup> بیشتر و امدار همرا است تا معابد خودشان که ما از زمانهای اولیه با آنها آشنایی داریم. به این ترتیب همرا به مرجعی مطلوب برای جهان یونانیت بدل شد. شاعران دوره یونانیت، هم از حماسه‌های همرا بهره بردند و هم راه شخصی و فردی‌شان را دنبال کردند. به رغم آنکه یونانیان عصر بیزانس تعالیم مذهبی و اخلاقی حماسه‌های همری را انکار کردند اما زیبایی‌شناسی آن را پذیرفتند. در واقع در دوران امپراتوری بیزانس، همرا مرجعی در مدارس وابسته به کلیسای شرق - حتی پس از سقوط قسطنطنیه در ۱۴۵۳ م. تا زمان آزادسازی یونان در قرن نوزدهم - بود. گرچه در ادبیات ایتالیا، انگلیس و آلمان افرادی

چون دانته (۱۴)، میلتون (۱۵)، پوپ (۱۶) و گوته (۱۷) ظهور کردند که در شعر اروپا سهم عمده‌ای داشتند ولی می‌توان گفت که از شروع قرن نوزدهم تا امروز، هنر به طور جامع و کامل چهره‌شاخص و پدر شعر کلاسیک غرب بوده است.

بعد از هنر می‌توان به هسیود (۱۸) اشاره کرد که دومین حماسه‌سرای یونان محسوب می‌شود. هسیود پیشگو نیز بود و معمولاً شعر و پیشگویی را درهم می‌آمیخت. او نخستین شاعر یونانی است که از خود سخن می‌گوید و اشعارش را صرفاً نه به عنوان موهبت الهه شعر، بلکه به صورت آنچه متعلق به خود اوست ارائه می‌کند. هسیود گرچه در انتخاب لغات و سبک شعر مرهون هنر است و روش شعر روایی را همچنان به کار می‌گیرد، اما تعلیم و آموزش را در آن وارد می‌کند. شخصیت جدیدی که او در شعرهایش داشت - آموزگار - راه جدیدی را برای ظهور شعرهای ذوب‌حرفین، غنایی و قصاید بعد از او می‌گشاید. دو اثر باقی‌مانده از او عبارتند از: تتوگونی (۱۹)، اعمال و ایام (۲۰). هسیود سعی داشت در آثارش درک واقعی از کلمات را آموزش دهد. به همین دلیل پدر شعر تعلیمی یونان خوانده شد و در نتیجه مکتبی تأثیرگذار بر شعر یونان ابداع گردید که بی‌وقفه تا عصر ما ادامه دارد. حتی در عصر یونانیت او بر شعر کلاسیک یونان تأثیر نهاد، نه هنر.

ادبیات یونان اولیه بکلی عامیانه بود. ادبیات مذهبی که به خدایان می‌پرداخت، به اورفئوس (۲۱) و موسائوس (۲۲) معاصران هنر و هسیود نسبت داده می‌شود. یونانیان در آرزوی وارد کردن موضوعات فلسفی و علمی در اشعارشان بودند که میزان صحیحی برای شعر روایی آنها بود. نخستین شعرهای فلسفی توسط کسنوفانس (۲۳)، پارمتیدس (۲۴) و امپیدوکلس (۲۵) سروده شد. از بین این سه تن امپیدوکلس شاعر واقعی بود که فلسفه‌اش بیش از یک دانش و آگاهی است. او مهارت خاصی در ترکیب کردن فلسفه، علم، شعر و سخنوری داشت. حدود ۳۵۰ شعر از اولین کتابش - در طبیعت (۲۶) - و صد شعر از دومین کتابش - آداب تطهیر (۲۷) - باقی مانده است.

آنچه گفتیم، نخستین دوره شعر یونان از قرن هشتم قبل از میلاد تا جنگهای ایرانیان بود که می‌شد به آن اشاره کرد. از این دوره بجز دو حماسه هنر و تصنیف‌های هنر و هسیود شعرهای اندکی باقی مانده است که به گسترش و توسعه زبان حماسی و عشق و علاقه یونانیان به شعر اشاره دارد. در دوران بعد از هنر دو شکل دیگر شعر، یکی ذوب‌حرفین و دیگری قصیده (۲۸) که اغلب شعر غنایی نامیده می‌شوند، در آیونیا ظاهر شد. در قرن هفتم پیش از میلاد شاعر غنایی‌سرای بزرگ، آرخیلوخوس (۲۹) به دنیا آمد که پدر شعر ذوب‌حرفین نامیده می‌شود. مدار شعر او تجربه‌هایش از جنگ است. شعر او به جنگ رئالیستی نزدیک؛ و سرشار از ضدقهرمانی و ضدهمسری است. پس از او می‌توان از سمونیدس (۳۰)، هیپوناکس (۳۱) و پلمون (۳۲) نام برد. قصاید اینان واسطه‌سبکهای

آزاد و غزل است و ریشه در سرودهای نظامی دارد. بهترین مثال از قصاید نظامی، اشعار کالینوس (۳۳) است که به دنیای حماسی هنر - که آرخیلوخوس به طور کلی آن را رد کرده بود - نزدیک می‌شود. دیگر شاعران و سرآمدان قصاید یونان قدیم عبارتند از: میمرموس (۳۴)، سولن (۳۵) و تتوگنیس (۳۶)

در قرن هشتم پیش از میلاد هنر موسیقی در یونان گسترش یافت. غزل‌سرایان، موسیقیدان نیز بودند و عمدتاً آهنگهای خود را با واژه‌ها و کلماتشان تطبیق می‌دادند. به همین دلیل شعر غنایی یونان همواره با آهنگ درآمیخته بود. غزل‌های مخصوص همسرایی نخستین بار در قوم دوریس (۳۷) پا گرفت و به زودی شهرهای دیگر را دربرگرفت و در آتن به اوج خود رسید. ساز زهی مورد استفاده، چنگ با چهار رشته سیم بود که با گشوده شدن دروازه‌های آسیا به روی آتن، ساز بادی نیز به آن اضافه شد. مشهورترین شاعران همسرایی یونان باستان آلكائوس (۳۸)، سافو (۳۹)، آناکرئون (۴۰) و باکخیلیدس (۴۱) هستند. با شروع جنگهای ایرانیان دوران بزرگ هنر دو نوع شعر حماسی و غنایی به پایان رسید: توجه به آتیکا (۴۲) معطوف شد و پس از آن آتن تا ظهور مقدونیه و فتح شرق توسط اسکندر بر جریان‌های سیاسی و فرهنگی حاکم گردید.

### ■ از جنگهای ایرانیان تا مرگ اسکندر (۴۹۰ تا ۳۲۳ پیش از میلاد مسیح)

با آغاز جنگهای ایرانیان و ناتوانی یونان در مقابله با ایران، قدرت تاریخی خدایان کاهش یافت و سرودهای پیروزی که در جشنواره‌ها خوانده می‌شد به دست فراموشی سپرده شد. جنگهای پیایپی با پارسها همواره با غلبه پارسها خاتمه می‌یافت تا اینکه با ظهور قدرت اسکندر و تأسیس مقدونیه قدرت عالمگیر امپراتوری ایران در زمان پادشاهی داریوش سوم متوقف شد. این دوره مهم‌ترین پیشرفت‌ها را در فلسفه، تاریخ، سخنوری، معماری و مجسمه‌سازی به دنبال داشته است. مرکز تمامی این خلاقیت‌های هنرمندانه شهر آتن بود. زیرا در مدت هشتاد سال حکومت دمکراسی و بویژه در زمان حکومت پریکلز (۴۳) که نظم و آزادی را به هم آمیخت ادبیات و هنر آتن شکوفا شد. این تغییرات مهم که در قرن پنجم زندگی بر مبنای تفکر و معنویت را برای یونانیان به ارمغان آورد، ناشی از توسعه و گسترش جنبش سلطه‌گرایی بود. سفسطه‌گرایان معلمان دوره‌گردی بودند که برای دریافت حق‌الزحمه شهر به شهر می‌گشتند. موضوعات مورد تعلیم بسیار متفاوت بود. اما همواره با هنر آن روزگار و آن شهر درآمیخته بود. نفوذ و تأثیر ایشان در زمینه شعر بیش از دیگر هنرها بود. در قرن چهارم پیش از میلاد و در دوره جنگهای متعادی، شعر شکل واحد و سنتی خود را از دست داد و عصر طلایی شعر با این اعتقاد به اساطیر از شعر تغذیه می‌شوند، سپری شد و شعر نمایشی درام در دوران مقدونیه و فتوحات اسکندر پدید آمد.

اگر شعر غنایی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با حکومت استبدادی و آریستوکراسی (حکومت اشرافی) موروثی داشت، حامی و مشوق درام - در هر دو زمینه تراژدی و کمدی - شهر آتن بود. منشأ تراژدی یونانی ناشناخته است. طرحهای تراژدیها - به جز چند مورد استثناء - از اساطیر گرفته شده است. تراژدیهای یونانیها همواره با موضوعات بزرگ و عمده زندگی و مرگ و ارتباط بشر و خدایان درگیر بود. بزرگترین تراژدی نویس آن زمان ایسئیمیلوس<sup>(۴۴)</sup> بوده است. الهامات شگفت، جاذبه و وقار تفکرات، درشتنکی و ناهمواری زبانش و درک ساختار نمایشنامه هایش برای او جایگاه منحصر به فردی در تاریخ شعر یونان کسب کرده است. بعد از وی می توان از سوفوکلس<sup>(۴۵)</sup> نام برد. بذله گویی، حساسیت، زیرکی، زیبایی و غنا چهره ای است که این شاعره دوران کهن به ما نشان می دهد. از ۱۲۳ تراژدی او تنها هفت اثر باقی مانده است. سوفوکلس سنت گرا بود و به نوگرایی اهل مغالطه و اعتماد متکبرانه آنها به تواناییهای عقل بشر حمله می کرد. شخصیت او را می توان در ابهت چهره های قهرمانان بزرگش - آنتیگونه<sup>(۴۶)</sup> و دیانیرا<sup>(۴۷)</sup> - در لحظه سقوطشان فهمید. با این همه، دیدگاههای نافذ او در شعر غنایشی یونان اثر اعتراضی خود را تا قرن بیستم حفظ نکرد. بحرانی که سراسر این دوره را فرا می گیرد، به روشنی در تراژدیهای انورپیدس<sup>(۴۸)</sup> دیده می شود. او سخنگوی عقل گرایی سفسطه گرایان جدید شد که به تدریج در تمامی نیروهای فرهنگی، دین، اخلاقیات، فرضیه های سیاسی و شعر نفوذ کرد. سنت بر ضد او جار و جنجال به راه انداخت. عناصر جدیدی که وارد قالب شعر انورپیدس شد فلسفه، صنایع بدیع و رئالیسم طبقه متوسط جامعه بود. این عناصر نه تنها اسطوره ها بلکه زبان شعری تراژدی را منتقل می کرد. مثلاً مدیا<sup>(۴۹)</sup> تصویرگر واقعیت های طبقه متوسط آتنی است. در همه آثار این شاعر می توان گرایش به بیان موقعیت زنان و بردگان، عشق و جنون را دید. به نظر می رسد انورپیدس آخرین شاعر کلاسیک عصر اسکندر بوده است و استیلای ادبی او در این عصر نه تنها مرحله آتیک بلکه تمام عصر هلنی را در سلطه خود داشت.

### کمدی قدیم:

کمدی یونان از جشنها و مراسم مختلف برخاست که تقلید، هرزگی و لودگی با آن درآمیخته بود؛ اما زمانی که در قالبی هنرمندانه به آتن عرضه شد با دیونوسوس<sup>(۵۰)</sup> پیوند خورد بهترین آثار کمدی از آن آریستوفان<sup>(۵۱)</sup> است. پرندگان<sup>(۵۲)</sup> که در سال ۴۱۴ پیش از میلاد نوشته شد، شاهکار منحصر به فرد اوست. با وزغها<sup>(۵۳)</sup> روزهای طلایی آریستوفان و کمدی قدیم به آخر رسید. شکست آتن در ۴۰۴ پ. م. به این افول دامن زد. اگرچه آریستوفان موفقیت های چشمگیری در دریافت جوایز داشت اما شاعرانی چون آتیوبولیس<sup>(۵۴)</sup> و کراتینوس<sup>(۵۵)</sup> فاصله چندانی با او نداشتند.

### ب. عصر هلنی

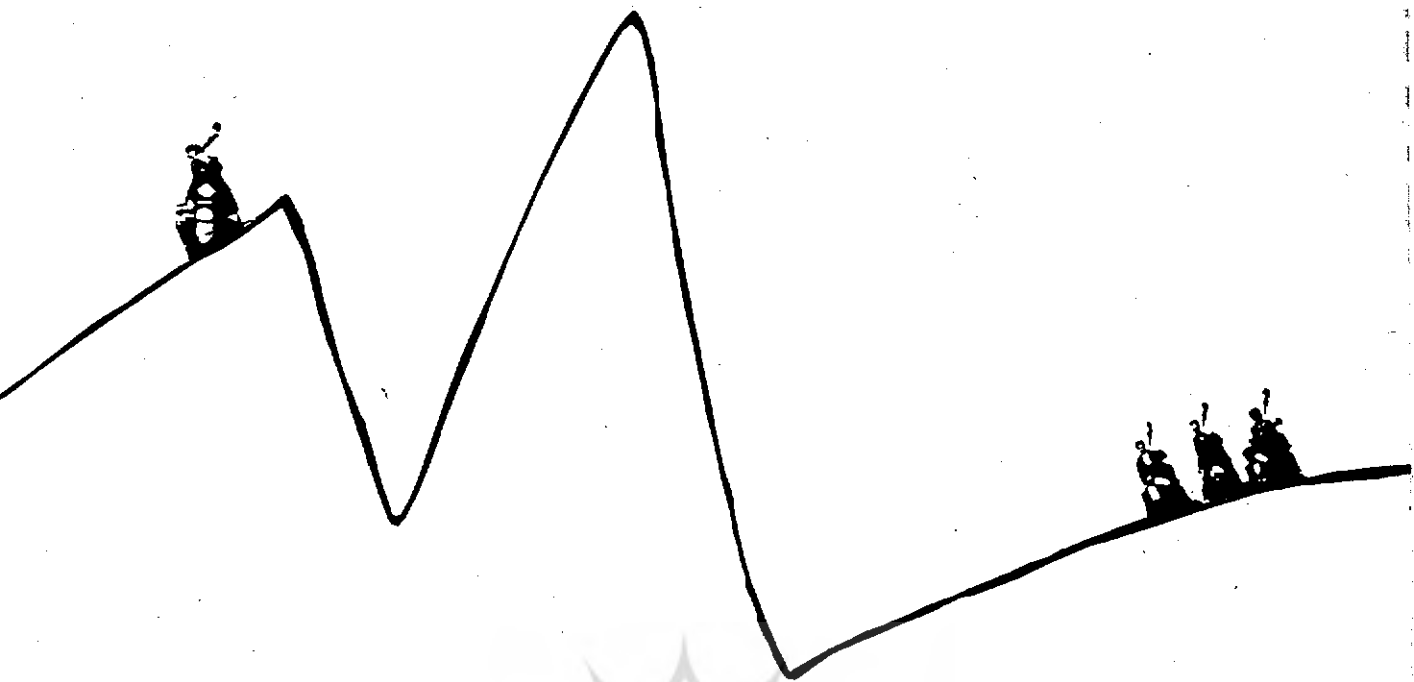
#### کمدی جدید:

در ادبیات یونان، عصر هلنی با کمدی جدید شروع می شود. علی رغم آنکه همه شکل های شعر هلنی در مصر و آسیا پیشرفت کردند کمدی جدید منحصراً محصول آتیک بود. مناندر<sup>(۵۶)</sup> برترین عضو از خانواده کمدی نویسان جدید است. نمایشنامه های او شبیه آثار انورفیدس<sup>(۵۷)</sup> سرشار از عشق، توطئه های بزرگان، هتک حرمت دختران، پدران خشمگین و متملق است. بی شک دنیای مناندر محدود است و بازتابی از حرادث پرحرک و هیجان آور جهان که در روزگار او رخ می داد، در آثارش دیده نمی شود. با این حال به استثنای هر هیچ یک از شاعران یونانی به اندازه مناندر بر ادبیات جهان تأثیر گذار نبودند. امروزه تنها چهارچوب و قالب آثار او باقی مانده است.

### ■ شعر دوره اسکندر (۱۴۶ - ۳۲۳ پیش از میلاد):

پیروزی مقدونیه در خایرونیا<sup>(۵۸)</sup> به معنای پایان یافتن عظمت یونان باستان بود. اسکندر تمدن یونانی را به شرق منتقل کرد اما به هنگام تسخیر سرزمینهای جدید، اساس ادبیات یونان تغییر یافت و شاخصهای فرهنگی و سیاسی پایتخت به انحطاط گرایید. دنیای معنوی و روحانی یونان عصر هلنی خود را به مردم عرضه کرد. ادبا و شاعران از این جریان کناره گرفته، به صورت انفرادی کار کردند. شعر جدید دوره اسکندر آثاری از آتنی ماخوس<sup>(۵۹)</sup> و فیلمستاس<sup>(۶۰)</sup> را در بردارد. این دو سعی کردند تا شعر را از شکستگی و رکود دامنگیر آن و از چنگ درام نویسان آکادمیک رهایی بخشند. دیگر نام آوران شعر این دوره تئوکریچوس<sup>(۶۱)</sup>، کالیماچوس<sup>(۶۲)</sup> و آپولونیوس<sup>(۶۳)</sup> بودند که از بین آنها تئوکریچوس برای دنیای مدرن جذابتر و جالب توجه تر است. او اشعار متنوع و متعدد - تصنیف های شبانان، حماسه های کوتاه، سرودها، غزلها و قصاید - را می سرود اما شهرتش را وامدار تصنیف های شبانان است که مضامین زندگی چوپانی و فریبندگی خاصی از ترکیب عجیب و جذاب رئالیسم و رمانتیسیسم دارند. او ابداع کننده شعر چوپانی است و هزل و تلمیحات در تصنیف هایش جایگاه ویژه ای دارند.

کالیماچوس خصوصیات ادیب، شاعر و نقاد را به هم آمیخت. مشهورترین اثرهای او قصایدی در چهار کتاب است؛ مشتمل بر سبب شناسی افسانه هایی که با تاریخ یونان مرتبط اند؛ مراسم و تشریفات عبادی و پیروزی تئوس<sup>(۶۴)</sup> برگامارتن. شاگرد او آپولونیوس رهبر جنبش ادبی ضد معلمش کالیماچوس بود؛ گرچه آثار و نشایع موثرش دوست سال بعد در ویرجیل<sup>(۶۵)</sup> یافت شد. آروگوتیکا<sup>(۶۶)</sup> که روایت سفر یاسون<sup>(۶۷)</sup> به کولخیس<sup>(۶۸)</sup> از دواجش با مدئا و کمک وی به یاسون در ربودن پشم طلایی، در چهار مجلد است؛ نخستین حماسه رومانتیک بود. آپولونیوس قادر بود ایزودهای زیبا و تشبیهات عالی خلق کند؛ اما شخصیت پردازی



بعد از غلبه رومی‌ها بر یونان و شرق هلن، مرکز فرهنگی یونان به سوی غرب - بخصوص روم - متمایل شد و در آنجا جدالی ادبی که از یونان شروع شده بود، خاتمه یافت. پارتنیوس<sup>(۷۷)</sup> قصیده‌سرا، مهمترین چهره شعر یونان در این دوره است. در همان زمان برخی از شاعران کلاسیک چون هوراس<sup>(۷۸)</sup> و آگوستوس<sup>(۷۹)</sup> سربرآوردند؛ اما ادبیات رومی با تخیلی روح یونانی شکوفا شد و نوشته‌های یونانی معاصر را تحت‌الشعاع قرار داد. در سالهای ۱۰۰ تا ۲۳۰ م. امپراتوری روم به شرق یونان برده شد و پس از آن آتن بیش از پایتخت یونان بود. آن آتیکیسم<sup>(۸۰)</sup> را کد که از نیمه قرن دوم تا خاتمه امپراتوری بیزانس در اوج شهرت خود بود و نفوذ آن تا قرن‌ها ادامه داشت در دامن مصلحان نگارش صحیح یونان جدید افتاد، همه شکل‌های ادبیات و هنر را در سلطه خود گرفت و برای جهان یونانی رومی صنایع بدیعی را به ارمغان آورد که موجب پیشرفت‌های بعدی شعر یونان شد.

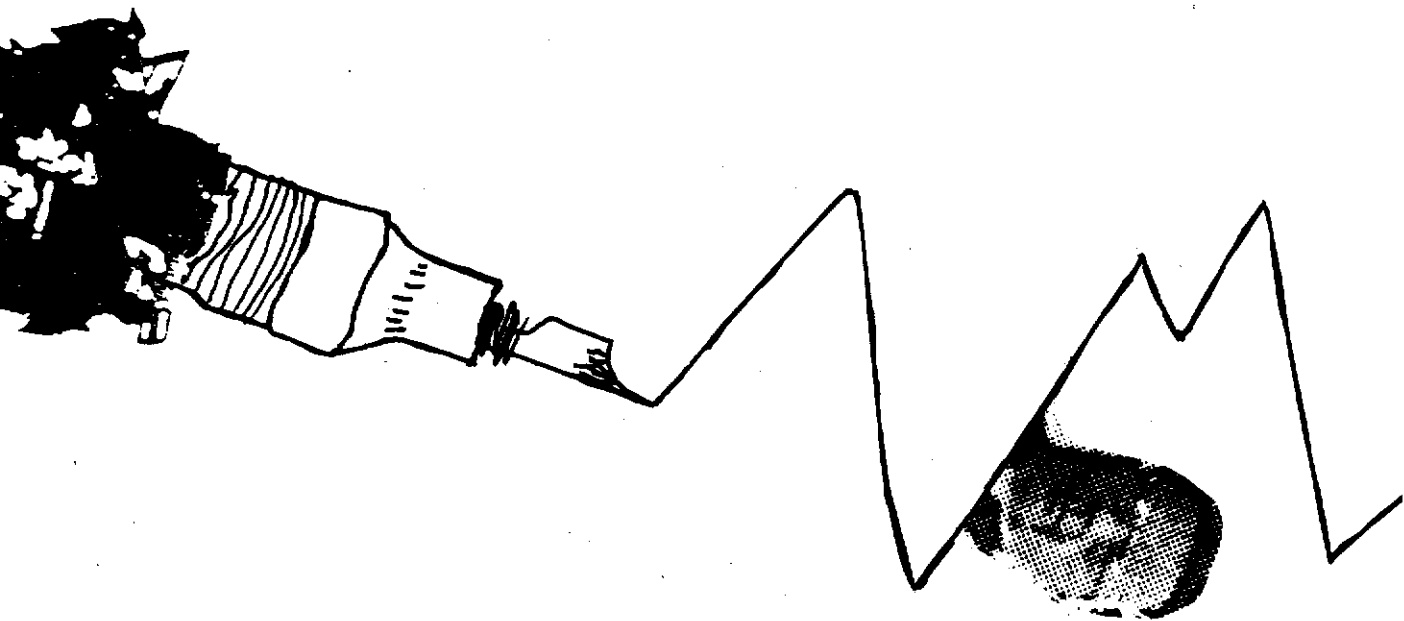
#### ■ دوره انتقال از عصر باستان به عصر وسطی (۳۳۰ تا ۶۴۱ میلادی):

طلوع مسیحیت در بین تعلیمات یونانی‌ها، مهم‌ترین حادثه در زندگی ملت یونان در قرن اول مسیحیت بود. حکمرانی کنستانتین بزرگ ممکن است از هر دو جنبه اقتصادی و مذهبی شروع عصر

او ضعیف بود و نمی‌توانست برای ارائه اثرش وحدتی سازمان یافته داشته باشد. علاوه بر این، واژگان آپولونیوس عمدتاً برگرفته از همز اما به شیوه اسکندری بود. او تعدد و تکثر کلمات همز؛ و عبارات و اوزان شش‌وتدی او را ادامه می‌دهد. گرچه آپولونیوس صاحب مکتبی نشد اما بیشتر آثار او به زبان لاتین ترجمه گشت.

قصیده‌سرایان این دوره را می‌توان به دو مکتب ایونیایی<sup>(۶۹)</sup> و پلپونزی<sup>(۷۰)</sup> منسوب کرد. پیروان مکتب ایونیایی غالباً در ساموس<sup>(۷۱)</sup> بودند. مکتبی اجتماعی و مغالطه‌گرا که با عشق، شراب و واژگان پیچیده و مرکب سروکار داشت. رهبر این مکتب آسکلپیداس<sup>(۷۲)</sup> برجسته‌ترین قصیده‌سرای اسکندری بود که حدود چهل شعر با مضامین اقتصاد، احساس و خیال از او باقی مانده است. او تعدادی رمز و مضمون عاشقانه ارائه کرد و بیش از هر شاعر دیگر باعث پیشرفت قصیده شد. دنباله‌روهای او پوسیدیبیوس<sup>(۷۳)</sup> و دیوسکوریدس<sup>(۷۴)</sup> - که اغلب آخرین شاعر اسکندری نامیده می‌شود - بودند. پیروان مکتب پلپونزی عمدتاً در دوریک<sup>(۷۵)</sup> بودند و از زندگی واقع‌گرایانه سخن می‌گفتند. عده‌ای معتقدند سرآمد این مکتب قصیده‌سرای بزرگ یونان لئونیداس<sup>(۷۶)</sup> است که حدود صد قصیده از او به جا مانده است. شعر هلنی بعد از اسکندر (۱۴۶ پیش از میلاد تا ۳۳۰ بعد از میلاد)

مردمی‌ترین نوع شعر در این دوره، همان قصیده بود. در شرق یونان توأمانی روح و مضمون برای سرودن شعر ناب وجود نداشت.



جدیدی برای یونانیها باشد. تأسیس شهر قسطنطنیه در سال ۳۳۰ م. در حکم پیدایش يك کشور یونانی جدید بود. این پایتخت جدید که ترکیبی از شجاعت رومی و آموزش هلنی بود از آغاز با هنر و ادبیات یونان غنی شده بود؛ زیرا اکثر آثار ادبی بیزانس گرفتار سنن ادبی و زبان شناختی هلنی و کلاسیک بود که همه نیروهای ابتکاری را پوشانده بود. تنها در شعر مذهبی، یونانی‌های بیزانس هرگز دستاوردهای عظیمی نداشتند؛ زیرا نتوانستند به یکباره از قید و بند کلاسیک‌ها رها شوند.

دوره انتقال برای شخصیت‌های ادبی یونان، در ابتدای قرن سوم امپراتوری بیزانس دشوار بود؛ به علاوه در آخرین تشنه‌های فرهنگ باستانی، آیین مسیحیت ظاهر شد. غلبه مسیحیت شاعران را به سوی اساطیر جدیدی متمایل کرد.

سرود مذهبی از نوع کنتاکیا (۸۵) از او به جای مانده است. سادگی سبک، صنایع بدیعی درخشان، عدم استفاده از تشبیه و استعاره، و مهارت در بکارگیری گفتگو از صفات مشخص اشعار اوست. شعر مذهبی بیزانس در نیمه دوم قرن هفتم م. با نوع جدیدی از سرود - کنون (۸۶) - که از هشت تا نه قطعه بلند ساخته شده بود به مرحله نهایی خود نزدیک می‌شد. در این نوع سرود موسیقی بیشتر از کلام اهمیت داشت و این همواره به شعریت کلام لطمه می‌زد. دو شاعر بزرگ این نوع سرود مذهبی داماسن (۸۷) و کزماس (۸۸) بودند. سرانجام آثار این دوره راهشان را در مناجات‌نامه‌های کلیسای امپراتوری شرق یافتند و جایگزین سرودهای مذهبی مکاتب قبلی شدند. اشعار تنها شاعره بیزانس، کاسیا ۴، به ویژه سرود مری، دکار تائیه (۹۰) هنوز هم در هفته مقدس در کلیسای ارتدکس شرقی خوانده می‌شود.

#### شعر مذهبی:

در دوره انتقال نخستین شکوفه‌های شعر مذهبی - مسیحی جدید سر برآورد. مضامین این اشعار مردمی و زبان آن نزدیک به لهجه گفتاری آن زمان بود؛ گرچه نفوذ و تأثیر سنن «آتیک یونانی» و «انتقال یونانی» را نمی‌توان نادیده گرفت. همانگونه که در آثار متودیوس (۸۱)، سینسیوس (۸۲) و گرگوری (۸۳) دیده می‌شود، در این اشعار اوزان کلاسیک به کار رفته است. عمده‌ترین وعظهای آن دوره را به رمانوس (۸۴) نسبت می‌دهند که حدود هشتاد و چهار

در قرن یازدهم سرودسرای اهمیت خود را از دست داد. مذهبیون به دربار که به صحنه نزاع متعصبانه میان کلیسای کاتولیک رومی و ارتدکس یونانی تبدیل شده بود، گرایش پیدا کردند. شعر مذهبی بیزانس ماموریت تاریخی بزرگی را انجام می‌داد؛ یونان به نگهداری و حفظ احساس مسیحیت و هوشیاری ملی در مواجهه با تهاجم بربرها کمک می‌کرد و در خلال سالهای طولانی باقی ماندن در سلطه ترکها به سمت شرق، غرب و شمال بذرهایی پراکند که بعدها در ادبیات و فرهنگ ملل دیگر شکوفا شد.



## ■ سلطه ترکها، جنگهای استقلال و شکل‌گیری

### مکاتب شعری

با زوال سرودسرای، شعر بار دیگر به صنایع بدیعی روی آورد و به ندرت بیانگر نیازها و خواسته‌های درونی و باطنی بود. پیوریست‌ها<sup>(۹۱)</sup> سرسختانه به گسترش شعر تعلیمی پرداختند؛ اما با سقوط قسطنطنیه و تصرف آن توسط ترکها در سال ۱۴۵۳ م، «بیزانسیسم» یا ادبیات نوشتاری پیوریست‌های یونان به خط پایان خود رسید. البته خطا است که سقوط قسطنطنیه لیه خط تقسیم بیزانس و ادبیات مدرن یونان در نظر گرفته شود. شعر مردمی مدرن یونان در شعر - رمانس قرنهای سیزدهم و چهاردهم میلادی، و داستانهای حماسی قرن دهم ریشه دارد. غالب شاهکارهای شعر - رمانس بیزانس مربوط به زمان سقوط پایتخت توسط ترکهاست. عناصر شعر مدرن یونان را می‌توان در هزلیات قرن دوازدهم یافت که به شاعر بزرگ تنودور پرودموس<sup>(۹۲)</sup> نسبت داده شده‌اند. کلمات مورد استفاده‌اش ریشه در میراث کهن دارند؛ اگرچه از نظر ساختاری و ریخت‌شناسی دستخوش تغییر و تحول شده باشند. او از گویش و زبان محاوره زمان خود بهره می‌برد و تحت تاثیر آوازهای مردمی بود.

با شروع جنگهای استقلال و بلافاصله پس از استقرار پادشاهی یونان در سال ۱۸۳۰ م. تاثیرپذیری از انقلاب فرانسه و میل به کلاسیک‌گرایی به تشکیل مکتب قدیمی آتن کمک کرد. این مکتب از حدود ۱۸۳۰ شکل گرفت و تا ۱۸۸۰ بسط یافت. پیشروان این مکتب رمانتیک هوگو<sup>(۹۳)</sup>، لامارتین<sup>(۹۴)</sup>، بایرون<sup>(۹۵)</sup>، شیلر<sup>(۹۶)</sup> و لئوپاردی<sup>(۹۷)</sup> بودند. از بین اینان بایرون الگوی شاعران در زمان جدید شد. اشعار یونان این دوره بیانی اغراق‌آمیز از رومانتیسیسم اروپایی در قالب نوستالژی اسطوره‌های کلاسیک، وطن‌پرستی در آمیخته با قهرمانی و مرگ، مرثیه‌های عاشقانه و قلب‌های شکسته، و هجوهای سیاسی بودند.

مکتب شعری دیگری که در جزیره آونیا شکل گرفت نیز به رمانتیک تعلق داشت. برخلاف آتنی‌ها، غرب‌گرایی اینان فقط به پاریس محدود نمی‌شد بلکه دامنه آن به انگلیس، آلمان و ایتالیا کشیده شده بود. رومانتیسیسم شاعران این مکتب بر خلاف آتنی‌ها

محدودتر و ملهم از طغیان مالیکولیایی سبک ایتالیایی بود. در بین شاعران نام‌آور یونان امروز، آندریس کالوس<sup>(۹۸)</sup> و دیونیسوس سولوموس<sup>(۹۹)</sup> بزرگترین شاعران آیونیایی بودند. کالوس اشعار خود را تنها در یک سبک و ساختار: یعنی ابیات بدون وزن مرکب از چهار بیت و در حدود هفت هجا، می‌سرود. فن بیان او از حسی بدیع نسبت به محیط اطرافش شکل گرفته بود. کالوس حس رمانتیک و شکل کلاسیک را نه در ایقاع بلکه در کشش بین فن و بیان درهم آمیخت که البته این امر سالهای بسیار ناشناخته ماند. بعدها ادیسه الیتیس<sup>(۱۰۰)</sup> و الکساندر متساس<sup>(۱۰۱)</sup> روش او را دنبال کردند. کالوس گمنام زیست، اما سولوموس پدر شعر مردمی به شمار آمد و مورد توجه قرار گرفت. تاثیر او بر شاعران معاصر یونان از همان ابتدا فراگیر بود. سولوموس در یادداشتی خطاب به خودش می‌نویسد: «نوشته‌هایم شاید رمانتیک و شاید کلاسیک باشند یا آمیزه ای از هر دو، اما حلال‌زاده‌اند؛ نمونه ای بسیط که ابتدا از شکسپیر<sup>(۱۰۲)</sup> است و بعد از هر و سومی نمی‌دانم از کیست.»

- 39. Sappho.
- 40. Anacreon.
- 41. Bacchylides.
- 42. Attica.
- 43. Pericles.
- 44. Aeschylus.
- 45. Sophocles.

۴۶ - Antigone، دختر اودیپ و یوکاسته  
 ۴۷ - Deianira، دختر اونئوس و آلتاربا

48. Euripides.

۴۹ - Medea، دختر آئیس و ایدویا  
 ۵۰ - Dionysus، فرزند زئوس و سلمه

- 51. Aristophanes.
- 52. Birds.
- 53. Frogs.
- 54. Eupolis.
- 55. Cratinus.
- 56. Menander.
- 57. Eurphides.
- 58. Chaeronea.
- 59. Antimachus.
- 60. Philetas.
- 61. Theo critus.
- 62. Callimachus.
- 63. Apollonius.

65. Virgil.  
 66. Argonautica.

۶۲ - Theseus، پسر آئگیئوس و آئیرا

- 68. Colchis.
- 69. Jonian.
- 70. Peloponnesian.
- 71. Samos.
- 72. Asclepiades.
- 73. Poseidippus.
- 74. Dioscurides.
- 75. Doric.
- 76. Leonidas.
- 77. Parthinos.
- 78. Horace.
- 79. Agostos.
- 80. Atticism
- 81. Methodius.
- 82. Synesius.
- 83. Grrregory.
- 84. Romanos.
- 85. Kontakia.
- 86. Kanon.
- 87. Damascene.
- 88. Cosmas.
- 89. Cassia.
- 90. Mary Magda lane.
- 91. Purist.
- 92. Prodermos.
- 93. Hugo.
- 94. Lamartine.
- 95. Byron.
- 96. Schiller.
- 97. Leopardi.
- 98. Andreas Kalvos.
- 99. Dionysios Solomos.
- 100. Odysseus Elytis.
- 101. Alexander Matsas.
- 102. Shakespear.
- 103. Costis Palamas.
- 104. Constantine Cavalls.

۶۷ - Jason، پسر آیسون؛ رهبر آرگونوتها

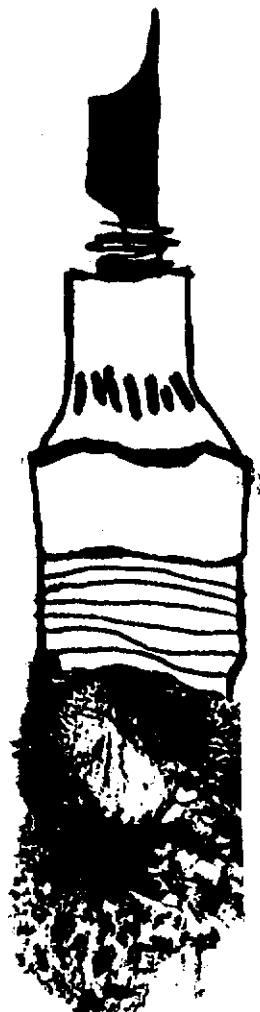
حدود سال ۱۸۸۰ م. يك گروه از شاعران جوان یونانی در مبارزه ضد مكتب قدیمی؛ و در تلاش برای رویکرد به اهداف هنرشان مكتب جدید آتن را پایه‌ریزی کردند. تأثیر آنها تا اواخر سال ۱۸۹۵ م. ادامه داشت و راه را برای هرگونه تأثیر سمبلیسم باز می‌کرد. چهره شاخص این حرکت کستیس پالاماس (۱۰۳) بود که به مدت شصت سال شعرهای یونان مدرن را متأثر کرد. در شکل‌گیری زبان محلی و وجدان ملی یونانی او نقش به‌سزایی داشت. وی به دلیل زیستن در دوره تحول شعر یونان مدرن توانست دوره ادبی اول را که با سولوموس آغاز شده بود، خاتمه دهد؛ اما به دلیل ظهور کنستانتین کاووانیس (۱۰۴) که پندر مرحله دوم شعر یونان مدرن شمرده شد، پالاماس نتوانست آغازگر مرحله دوم باشد\*.

### پانوشتها:

\* در صفحات بعد شاعران مرحله دوم ادبی با آثارشان معرفی

می‌شوند

- 1. Constantine A. Trypanis.
- 2. Theodosius.
- 3. Constantine.
- 4. Byzantium.
- 5. Mycenaean.
- 6. Aeonian.
- 7. Iliad.
- 8. Odyssey.
- 9. Homer.
- 10. Dimodocus.
- 11. Phemious.
- 12. Alcinoze.
- 13. Olympos.
- 14. Dente.
- 15. Milton.
- 16. Pope.
- 17. Goethe.
- 18. Hesiod.
- 19. Theogony.
- 20. Works and Days.
- 21. Orpheaus.
- 22. Musaeus.
- 23. Xenophanes.
- 24. Parmenides.
- 25. Empedocles.
- 26. On Nature.
- 27. Purification.
- 28. Elegy.
- 29. Archilochus.
- 30. Semonides.
- 31. Hipponax.
- 32. Polemon.
- 33. Calinous.
- 34. Mimnemos.
- 35. Solon.
- 36. Theognis.
- 37. Donis.
- 38. Alcaeus.



پژوهش‌های مطالعات فرهنگی  
 فصلنامه علمی-ادبی  
 شماره ۲۰